
فرنگ و فرنگی و دستاوردهای تمدنی جدید

در اندیشه و عمل امین الضرب

□ دکتر حجت فلاح توتکار

استادیار تاریخ دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین

چکیده

حاج محمد حسن اصفهانی کمپانی مشهور به امین الضرب تاجر معروف عصر ناصری و مظفری است. او فعالیت‌های زیادی در عرصه تجاری و صنعتی انجام داد و برای مدتی مسئولیت ضرابخانه دولتی را هم به عهده داشت. امین الضرب روابط تجاری وسیعی با دنیای خارج داشت و در اکثر شهرهای مهم اروپایی آن روزگار نمایندگی تجاری داشت. اینچنین روابط وسیع تجاری، او را با بنیادها و مظاهر مدنیت جدید آشنا ساخت. او طرح‌هایی برای استقلال اقتصادی کشور از ممالک فرنگی داشت. اما وابستگی او به ساخت قدرت مطلقه قاجاری و باور او به چنین ساخت قدرتی، زمینه تسخیل شدن او را در وضع موجود اقتصادی - سیاسی رقم زده بود. نوشتار حاضر به دنبال آن است تا به توضیح و تبیین نگاه و رفتار امین الضرب نسبت به فرنگ و فرنگی و دستاوردهای تمدنی جدید بپردازد.

کلید واژه‌ها: امین الضرب، فرنگ، مدنیت جدید، صنعتی کردن کشور، استقلال اقتصادی

حاج محمد حسن اصفهانی کمپانی مشهور به امین الضرب (۱۲۵۳-۱۳۱۶ق) از تجار معروف عصر ناصری و مظفری است.^۱ بر بنیاد اطلاعات موجود کار تجارت در خاندان او پیشینه داشت. پدر بزرگ وی حاج مهدی، صرافی خرده پا و به اندک قانع بود. امین الضرب به گاه خرد سالی به حجره او می‌رفت. شاید این مسأله نخستین آشنایی او با کار

تجارت باشد. این سنت تجاری در خاندان او ادامه داشت و پدرش محمد حسین به بسط و گسترش فعالیت‌های تجاری به شهرهای دیگر برآمد.^۲ او پس از مرگ پدر در حجره حاج محمد کاظم صراف در اصفهان مشغول به کار شد. و پس از مدتی که در خود توان فعالیت تجاری مستقل می‌دید گویا در ۱۲۷۳ق به تهران آمد.^۳

محمد حسن اصفهانی که احتمالاً اندکی پس از ورودش به تهران به این نام شهرت یافته بود به تدریج به تاجر پرآوازه‌ای بدل گشت.^۴ او پس از مدتی به همکاری با تجارتخانه فرنگی رالی و نماینده آن واسیلی یادی پانا یوتی پرداخت. این نخستین آشنایی با عنصر فرنگی بود. همکاری او با تجارتخانه رالی زمینه ساز شناخت بیشتر او با چند و چون کار تجارت با شهرهای دیگر خاصه با برات شد. خود او در این باره گزارش می‌دهد «ضمناً او به من طریقه خرید مال التجاره از هرجا، و حمل به هرجا را یاد داد، و هر روز برات از طهران به ولایات و از ولایات به طهران و در عوض چه قسم عوض باید رساند تمام را به من آموخت. با نهایت ذوق و شوق و جدیت تعلیمات او را تعقیب کردم». حاج محمد حسن اصفهانی همچنین از طریق پانا یوتی پشم گوسفند به فرنگستان ارسال می‌کرد. پانا یوتی به او اعتماد فراوان داشت. به گونه‌ای که حاج محمد حسن مدتی نمایندگی او را به عهده داشت، مسأله‌ای که زمینه ساز «معروفیت تام» او نزد شاه و وزرا و تاجر شد.^۵

حاج محمد حسن که از طریق تجارتخانه رالی با تجارت با جهان غرب آشنا شده بود، با کمک حاج عبدالحمید تاجر اصفهانی مقیم تبریز به تأسیس تجارتخانه‌ای برای تجارت با استانبول و اروپا پرداخت.^۶

در همین راستا بود که او برادرش ابوالقاسم را در جمادی الاول ۱۲۸۷ به استانبول فرستاد تا به عنوان نماینده شرکت تجاری او به خرید کالاهای فرنگی از اروپا و ارسال آن به ایران و نیز فروش کالاهای ایرانی در آن دیار بپردازد.^۷ مکاتبات موجود حکایت از این دارد که حاج محمد حسن بر اساس گرایش به فرنگی مآبی برخی اقشار تهرانی، بازار پر رونقی را برای برخی کالاهای فرنگی انتظار داشت، او از برادرش چنین خواست «مطلب دیگر آنکه یک جور کلاه فس [فینه، بر اساس توضیح ایرج افشار] که از مخمل می‌دوزند و ملیله دوز است» بخرد و بفرستد چرا که «تازه متداول شده، زندهای طهران به سر می‌گذارند. زیاد و بسیار می‌خرند. البته یک صد دانه بخیرید و بفرستید».^۸ او همچنین خرید کفش زنانه را هم سفارش می‌دهد. اما از همین زمان است که به تدریج به این باور رسید

که تاجر فرنگی آنچه که برای او مهم است فروش کالا و سود آن است و در بند مرغوبیت جنس نیست. از این رو به برادرش هشدار می‌دهد که «جنس بنجل» فرنگی نخرد.^{۱۱} در پرتو چنین روابط تجاری با اروپا بود که حاج محمد حسن در تصور خوبی که از عنصر فرنگی از رهگذر آشنایی با پانا بوتی داشت تغییر داد. او این دریافت جدیدش را از فرنگی اینچنین با برادرش در میان گذاشت «این شال‌های مشکی و غیر مشکی را سفارش دهید اما به شرطی که مغبون نشوید. این پدر سوخته لامذهب فرنگیها ذات ندارند، همان که آدم را آلوده کردند... می‌کنند، چشم خود را باز کنید به فرنگ مغبون نشوید».^{۱۲} او در مکاتبات دیگر خود مکرر بر طبیعت دغلكار فرنگیان تأکید داشت. حاج محمد حسن همچنین پیگیر تحولات اروپا هم بود. او با آگاهی از پایان جنگ ۱۸۷۰ آلمان و فرانسه امید وار بود که پایان یافتن «دعوی فرنگستان» بازارهای تجاری رونق یابد.^{۱۳}

مکاتبات به جا مانده از حاج محمد حسن حکایت از این داشت که او با مصر، باکو، استراخان، مسکو، ترابوزان، ماری و منچستر و لندن روابط تجاری داشت و در بیشتر این شهرها نمایندگی تجاری داشته است.

حاج محمد حسن اصفهانی بر بستر روابط تجاری از نوآوری فنی غربیان آگاه شد و به دنبال استفاده از آن نوآوری و نیز تلاش برای ساخت مشابه آن محصولات در ایران برآمد. او از برادرش خواست ابزار شخم زنی جدید را خریده و ارسال کند تا «به کار مسلمانان» بیاید و بعد نمونه آن در ایران ساخته شود. و به او متذکر شد که دستگاه جدید را با یک نفر «علما فرنگی که سر رشته تمامی داشته باشد» بفرستد.^{۱۴}

حاج محمد حسن اصفهانی که تبدیل به تاجر پرآوازه‌ای گشته بود و به گونه‌ای در نزد دربار به اول تاجر ایران معروفیت داشته است، در آخر جمادی الثانی ۱۲۹۶ از سوی ناصرالدین شاه مسئول ضرابخانه دولتی شد و از این پس به دارالضرب یا امین الضرب مشهور شد.^{۱۵}

امین الضرب که اکنون به تاجر اول ایران بدل شده بود با خود شاه رابطه و مکاتبه داشت. او در ۱۵ شعبان ۱۲۹۶ عریضه‌ای بسیار مهم به ناصرالدین شاه نوشت که مضمون آن به تعبیر خود او «اسباب ترقی و آبادی مملکت و ملت» را به همراه داشت. او در آن مکتوب خواستار تشکیل بانک شده بود. او «بساط فرنگستان» را به شاه یادآور شد و نیز دگرگونیهای شگرفی که در حیات فرنگی ایجاد شده بود. حال آنکه «فرنگستان سابق»

چنین وضعیتی نداشت. او کشتی سازی، اتحاد صاحبان سرمایه و ساختن راه آهن و کارخانجات متعدد و متنوع را یادآور شد. به تعبیر امین الضرب فرنگ در پیشرفت و ترقی به مرحله‌ای رسید که «آنچه مایحتاج خلق» آن دیار است را تولید می‌کند. او تداوم و پشتکار فرنگیان را در تولید مادی مطرح کرد و با ذکر این مقدمات متذکر شد که «عمده چیزی که اسباب ترقی فرنگستان شده برپا کردن بانک است». با تشکیل بانک و ایجاد سرمایه ملی بود که بساط جدید فرنگستان به وجود آمد و بستری فراهم آورد تا با سرمایه بانک کارهای بزرگ و تجارت‌های بزرگ نمایند و راه آهن بسازند. او با ذکر ضرورت ایجاد بانک باور خود را در توانمندی و صلاحیت عنصر ایرانی در نایل شدن به چنین مرتبه بهتری به شاه چنین بیان کرد «همه چیز ایران از فرنگستان بهتر است». امین الضرب البته تأکید کرد که تأسیس این امر مهم از عهده یک نفر یا دو نفر بر نمی‌آید که «اتفاق دولت و ملت» ضروری است. او باور داشت که اعلام تأسیس بانک در ایران نه تنها سرمایه خارجی را جذب خواهد کرد بلکه حتی «بیوه زندهای ایرانی» نیز «دو مثقال طلا یا نقره» خود را تبدیل به پول کرده و به بانک می‌سپارند. او حضور چهار تاجر معتبر را ضروری می‌داند اما بانک باید دولتی باشد؛ پشتوانه دولتی بانک می‌توانست مشکل ناامنی گسترده و احتمالی در نظام استبدادی مطلقه را چاره نماید. او باور داشت که پس از یکسال از فعالیت بانک این مؤسسه می‌توانست «تدارک برخی کارخانه‌های معظم بکند» و مهمتر از هر چیز می‌توانست «رفع احتیاج رعیت ایرانی را از بعضی چیزهای فرنگستان» بکند. او معتقد بود، ایجاد بانک و رونق صنعت در کشور باعث خواهد شد که صاحبان ثروت برای کسب سود به جای سرمایه گذاری در زمین، سرمایه شان را در عرصه صنعت سرازیر خواهند کرد. از نظر او بانک زمینه‌ساز تأسیس راه آهن و کارخانجات صنعتی خواهد بود.^{۱۴} از پاسخ شاه به عریضه امین الضرب اطلاعی نداریم. اما هرچه بود او نخستین طراح ایرانی تأسیس بانک در ایران بود. پیشنهاد او برای تشکیل بانک دولتی متحقق نشد. اما ده سال بعد از آن، امتیاز تأسیس بانک شاهی به انگلستان داده شد تا زمینه ساز نفوذ بیشتر آن دولت استعمارگر از طریق آن مؤسسه - یا به تعبیر یک تاجر میهن پرست و استقلال طلب - «پدر سوخته بانک»^{۱۵} در ساخت اقتصادی - سیاسی ایران شود.

امین الضرب به دلیل مسئولیت دولتی که داشت گاه به گاه در باب ضرورت استقلال اقتصادی کشور از فرنگ با شاه مکاتبه می‌کرد. او در نامه‌ای به شاه رونق تجارت و امنیت

و آسایش تجار را بنیاد «رفع احتیاجات ممالک محروسه را از ولایات خارجه» می‌داند. امین‌الضرب اهتمام شاه در رسیدگی به معضلات تجار را زمینه تشویق تجار در تأسیس کارخانجات جدید می‌داند. بر بنیاد توجه اولیای دولت است که به تعبیر او تولید داخلی فزونی می‌گیرد و رفع «احتیاج مملکت از سایر دول خارج» خواهد شد.^{۱۶}

امین‌الضرب بر بنیاد موقعیت اقتصادی و اداری خود عملاً به نماینده اصلی تجار کشور بدل شده بود. او بر بنیاد چنین موقعیتی با همکاری تجار ایالات و ولایات زمینه‌ساز تأسیس «مجلس وکلای تجار» در ۱۲ شوال ۱۳۰۱ شد. مجلس وکلای تجار در ایالات و ولایات تشکیل شد. در تهران با تشکیل مجلس وکلای تجار خود امین‌الضرب از ۱۵ شوال ۱۳۰۱ به ریاست آن انتخاب شد.^{۱۷}

امین‌الضرب در تنظیم کتابچه هیأت تجار تهران که به توشیح شاه هم رسید به یقین نقش داشت. این کتابچه در شش فصل تنظیم شده است. در فصل دوم کتابچه ضرورت ایجاد بانک بیان شد که «محض رونق و شکوه ملت» لازم بود. فصل سوم به انتظام روابط تجار داخله و خارجه بود تا موجب «پربشانی و بی‌پاشدن تجار تبعه داخله» در مقابل تجار تبعه بیگانه نشود. فصل چهارم به «ایجاد و برپانمودن مکاربه مختص ایران» در مناطق مرزی خاصه در شمال کشور بود تا زمینه ساز رونق کار تجار ایرانی و امتعه داخلی شود.

فصل پنجم کتابچه به «رواج امتعه ایران» بود. شاه با توجه به معضلات تجار ایران باعث می‌شد که تجار ایرانی دلگرم شوند و «در اندک زمان در هر بلدی از بلاد محروسه کارخانجات متعدد احداث نمایند». تأسیس این کارخانجات هم رفع نیازهای عموم مردم از «متاع فرنگستان» می‌شد و هم «بعون الله» زمینه صدور تولید داخلی به خارج خواهد شد. ترویج و تکمیل صنایع کشور به اهتمام شاه منوط بود. توجه شاه و نظام اداری کشور همچنین مانع از ساخت کالای تقلبی از سوی صنعتگر ایرانی می‌شد و باعث ماندگاری کالای داخلی می‌شد. کتابچه متذکر می‌شد که رواج امتعه داخلی و جلوگیری از «سیل بنیان کن» محصولات صنعت فرنگی به توجه فراوان «اولیای دولت ابد آیت» نیاز دارد، به گونه‌ای که باید دولت فرمان رسمی تشویق و تقویت ارباب حرف و صنعت و جلوگیری از مصرف متاع خارجی صادر کند. وقتی کالای وطنی در ایران وجود داشت و امکان تولید آن بود نمی‌بایست کالای خارجی مصرف شود باید «مردم مجبوراً ترک استعمال امتعه و

اجناس خارجی نمایند». ^{۱۸}

امین الضرب نه تنها در تنظیم این کتابچه و ارائه آن به شاه مشاورت تام داشت بلکه در مکتوباتش به همکاران خود آنها را به احیای صنعت بومی تشویق و ترغیب می‌کرد. به یکی از دوستان همکارش یادآور شد صنایع قدیم «مدتی است متروک شده در ترویج آنها اقدام» نمایند. او «نساجی و زربافی و خرازی و جبه داری و غیره اصفهان» را از جمله «صنایع قدیم» می‌داند. صنایعی که پیش از این کیفیت بسیار عالی داشت. اما «مدتی است که مال خارجه را آورده‌اند ترویج آنها متروک شده است» ^{۱۹}.

اهتمام اصلی امین الضرب در این سال‌ها تلاش برای تأسیس صنعت و ترویج کالای وطنی و مبارزه با ورود امتعه بیگانه بود. او در ۱۳۰۲ ق کارخانه ابریشم تابی را در رشت تأسیس کرد. ^{۲۰} کارخانه‌ای که به تعبیر یک نویسنده ایرانی محصول آن «در نهایت امتیاز» بود. ^{۲۱} امین الضرب در ربیع الثانی ۱۳۰۴ امتیاز معدن نائیب محمود آباد و ایجاد کارخانه آهن ریزی و آهن سازی و نیز ایجاد راه آهن محمود آباد - تهران از طریق امل را از شاه گرفت. ^{۲۲}

امین الضرب برای خرید لوازم راه آهن به روسیه و سپس بلژیک و پاریس رفته بود. او از نزدیک مظاهر تمدن فرنگی را نظاره کرد و از نظم و انضباط و تلاش و سخت کوشی فرنگیان و امنیت حاکم بر آن سامان تقدیر کرد. ^{۲۳} او در پاریس لباس سنتی تجار ایرانی را کنار گذاشت و از «شلوار و کلاه و سرداری و دستمال گردن» استفاده کرد اما به گزارش حاجی پیرزاده - جهانگرد ایرانی مقیم پاریس - هیچ گاه به ترک آداب و شعائر دینی اقدام نکرد و ریش بلند خود را هم حفظ کرد. ^{۲۴}

امین الضرب در راستای تأسیس کارخانجات جدید در ۱۳۰۵ در تهران کارخانه بلورسازی تأسیس کرد که محصولات آن «چندان تفاوت و تمیزی با چینی فرنگی بلکه چینی‌های چین» نداشت. ^{۲۵}

امین الضرب در جنبش ضد رژی تجار - جنبش تنباکو - بی‌تأثیر نبود. او با احتیاط و محافظه کاری زیان‌های این کار را به شاه یاد آور شده ^{۲۶} و به امین السلطان نوشت که رژی نباید به طور مستقیم از مردم خریداری کند. رژی باید از تجار ایرانی خریداری کند. ^{۲۷} او همچنین مخاطب مکاتبات اعتراض آمیز تجار به کار رژی بود. تجار از او می‌خواستند که برای الغای قرارداد تلاش کند. ^{۲۸} امین الضرب هر چند اعتراض آشکار و وسیع به کار

آن شرکت انگلیسی نداشت اما شاه او را محرک اعتراض تجار و عامل برچیده شدن رژی می‌دانست. گویا به همین دلیل مدتی در جمادی الاولی ۱۳۰۹ به قزوین تبعید شد.^{۳۹}

امین‌الضرب هر چند در عرصه ساخت قدرت به بی‌نظمی‌های حاکم معترض بود و بر همین زمینه برای جلوگیری از دخالت‌های ناروای وزارت تجارت و حکام ایالات و ولایات با همکاری تجار همفکر خود به تأسیس مجلس وکلای تجار ایران برآمد. اما باوری به دگرگونی ساخت قدرت موجود نداشت. امین‌الضرب به دستاوردهای مدنیت جدید در ساخت قدرت باوری نداشت. بر بنیاد اسناد و گزارش‌های عصر ناصری او از دوستان بسیار نزدیک سید جمال‌الدین اسدآبادی و میزبان سید جمال در دو سفرش به تهران بود.^{۴۰} او هرچند باوری ژرف به شخصیت سید جمال داشت و او را «جامع کمالات روحانی و جسمانی» می‌دانست و همواره حلال معضلات مالی او بود^{۴۱} اما به تلاش‌های سید جمال برای دگرگونی در ساخت مطلقه قدرت بی‌اعتقاد بود. او پس از آگاهی از فعالیت‌های سید جمال در لندن و پاریس بر ضد شاه و صدراعظم - علی‌اصغر خان امین‌السلطان - مکتوبی در اول محرم ۱۳۱۰ برای او نگاشت. او در آن مکتوب به دفاع از شاه و صدر اعظم برآمد. او در آغاز به صحت انتساب آن انتقادات به سید جمال در جراید تردید کرد. امین‌الضرب با ذکر ارادت همیشگی خود به سید جمال و اینکه او را «از همه عالم خوب‌تر و بالا می‌دانم» متذکر شد که «پادشاه ایران و وزیر پادشاه تقصیری ندارند». او هر چند به خیر خواهی سید جمال اذعان دارد و سخن و عقیده او را در نفی سلطه بیگانه «فلان فرنگی، فلان روسی» درست می‌داند اما بر این باور است که دولت به «جهت بعضی پلیتیکیها» ناچار به چنین کاری است. او پادشاه ایران را پادشاه حقیقی و دوست وطن و عالم‌تر و آگاه‌تر از همه می‌داند. امین‌الضرب دیدگاه خود را در باب ساخت قدرت جدید چنین طرح کرد «هرگز نظم اروپا را ایران نمی‌تواند اجرا نمود و هرگز هم مسلمانان راضی به آنطور نظم نیستند». او با ذکر تفاوت‌های اساسی در سرشت ایرانیان مسلمان با فرنگیان بی‌مروت، بر این باور تأکید کرد که «تمام اروپا» بر «یک بچه مسلمان» ترجیح ندارند. او راه حل را نه در نفی سلطنت مطلقه موجود بلکه در همراهی و کمک به «پادشاه اسلام» می‌دید. امین‌الضرب ضمن آگاهی از همکاری سید جمال با میرزا ملکم خان، ناراحتی خود را در باره این همکاری چنین بیان کرد «این درد ما را بس است که می‌گویند جناب مستطاب آقا به ملکم خان تسلیم و همدست شده اند» او در پایان نامه خود ضمن

تأکید باور ژرف خود به شخصیت سید جمال از اینکه مدتی است از حال او آگاهی ندارد اظهار ناراحتی می‌کند «روح حقیر گم شده است قوه‌ای که داشتم قوه روحی الکتریسیته را گم کرده ام و نزدیک است دق بیاورم»^{۳۲}. او با چنین باوری به سید جمال هیچگاه با تلاش‌های سیاسی اش در دگرگونی ساخت مطلقه عصر ناصری با او همراهی نداشت.

در یک جمع بندی امین الضرب در ستیز با سلطه اقتصادی فرنگ و فرنگی تلاش‌های زیادی نمود. طرح‌های ملی بزرگ برای صنعتی کردن ایران و استقلال اقتصادی کشور به دربار شاه داد و در تحقق عملی آن تلاش‌های گسترده‌ای کرد به گونه‌ای که به قول افضل الملک مورخ آگاه و نامدار عصر مظفری به «فابریکات» معروفیت داشت^{۳۳}. اما به دلیل وابستگی تمام عیار به درباری که از بنیاد با این تلاش‌ها در تضاد بود، خود او نیز در نظام واپس مانده سیاسی - اقتصادی حاکم مستحیل شد. امین الضرب از تمام سازوکارهای سیاسی - اقتصادی ترقی ستیز حاکم از جمله سرمایه گذاری بر زمین^{۳۴}، دادن پیشکش‌ها و تقدیمی‌ها و هدایا، برای سوداندوزی و پیشبرد کار خود بهره می‌جست. او هرچند به خرید کالاهای فرنگی توسط اهل وطن معترض بود اما به گاه سفر سوم شاه به فرنگ واسطه خرید کالاهای تجملی برای شاه بود^{۳۵}. او هرچند در اعتلای اقتصادی ایران تلاش‌های زیادی کرد اما در ماجرای رواج پول سیاه که به بی‌ارزش شدن پول ایران و ورشکسته شدن افراد زیادی انجامید، نقش داشت.

واقعیت این بود که امین الضرب در اندیشه و عمل پیوند و ارتباط اقتصاد ملی را با سیاست ملی درک نمی‌کرد. تکوین اقتصاد ملی با ساخت قدرت بیگانه با مردم نه تنها ره به جایی نمی‌برد بلکه ساخت قدرت بیگانه با مردم، خود زمینه ساز تسلط بیگانه بر اقتصاد کشور بود. چاره کار برای مبارزه با سلطه فرنگ و فرنگی، ایجاد نظم سیاسی جدید متکی بر حقوق ملت بود که امین الضرب آن را فقط مناسب حال ممالک «اروپ» می‌دانست.

پی‌نوشت

۱. درباره سال تولد امین‌الضرب روایت‌های مختلفی وجود دارد: فرزندش محمد حسین امین‌الضرب تاریخ تولد او را ۱۲۸۸م/۱۲۴۴ق ذکر کرده است. در این باره بنگرید به مهدوی، شیرین، زندگی‌نامه حاج محمد حسن کمپانی امین‌الضرب، ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی حسنگ لو، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۹. بامداد سال ۱۲۵۳ق را سال تولد او ذکر کرده است. بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، در قرن ۱۲، ۱۳، ۱۴ هجری، ج ۳، تهران، زوار، چ چهارم، ۱۳۷۱. خانم مهدوی در کتاب زندگی‌نامه... سال‌های ۱۲۵۰ - ۱۲۵۳ق را برای سال تولد او حدس زده است. اما نگارنده بر بنیاد اشارتی که حاج محمد حسن امین‌الضرب در وصیت‌نامه خود که تاریخ آن ۶ محرم ۱۳۰۳ می‌باشد، سال ۱۲۵۳ق را سال تولد او تلقی کرده است. در این باره بنگرید به مهدوی، ضمیمه ب، ص ۳۴۶. نگارنده زندگی‌نامه تفصیلی حاج محمد حسن امین‌الضرب را برای جلد چهارم فرهنگ ناموران نگاشته است. تاریخ درگذشت او را هم به روایت اثری با این ویژگیها ذکر کرده ایم: سپهر، عبدالحسین خان، مرآة الوقایع مظفری، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، زرین، ۱۳۶۸، ص ۱۶۲.
۲. امین‌الضرب، حاج محمد حسین، «یادگار زندگانی»، به کوشش ایرج افشار، یغما، س ۱۵، ش ۵ (مرداد ۱۳۴۱)، ص ۵-۶.
۳. همان، ص ۶-۷؛ محبوبی اردکانی، حسین، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۲، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۷ش، زیر نویس ص ۴۹.
۴. امین‌الضرب، «یادگار زندگانی»، ص ۷-۸؛ علوی، ابوالحسن، رجال عصر مشروطیت، به کوشش حبیب یغمایی و ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۶۳، ص ۳۱.
۵. امین‌الضرب، «یادگار زندگانی»، ص ۸-۱۰؛ ممتحن الدوله قشقایی، مهدی خان، خاطرات، به کوشش حسینعلی خان شقاقی، تهران، فردوسی، ج دوم، ۱۳۶۲، ص ۱۲۷-۱۲۸.
۶. امین‌الضرب، «یادگار زندگانی»، ص ۱۰-۱۱.
۷. اسناد تجارت ایران در سال ۱۲۸۷ قمری، به کوشش اصغر مهدوی و ایرج افشار، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰، ص ۱۰.
۸. همان، ص ۱۶.
۹. همانجا.
۱۰. همان، ص ۳۱.
۱۱. همان، ص ۸۲.
۱۲. همان، ص ۵۳.
۱۳. امین‌الضرب، «یادگار زندگانی»، ص ۳-۱۲؛ محبوبی اردکانی، ص ۵۲.

۱۴. برای متن کامل نامه امین الضرب به شاه در ضرورت تأسیس بانک بنگرید به تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران ۱۳۰۷-۱۳۳۷، صص ۶۶-۷۴
۱۵. این تعبیر از آن حاج آقا محمد صدر ملک التجار اصفهانی بود. در این باره بنگرید به آدمیت، فریدون و هما ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، تهران، آگاه، ۱۳۵۶، صص ۳۰۱ و ۳۷۰
۱۶. همان، صص ۳۰۴-۳۰۵
۱۷. همان، صص ۳۱۰ و ۳۱۳ و ۳۳۱
۱۸. برای متن کتابچه همان، صص ۳۱۵-۳۲۸
۱۹. همان، ۳۰۷-۳۰۸؛ پیش از سخن امین الضرب در باب زوال صنایع دستی اصفهان، میرزا حسین خان تحویلدار گزارش مفصلی از آن تنظیم کرده بود. بنگرید به تحویلدار، میرزا حسین خان، جغرافیای اصفهان، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲
۲۰. جمالیزاده، محمد علی، گنج شایگان، تهران، کتاب تهران، ۱۳۶۲، صص ۹۳؛ اشرف، احمد، موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران دوره قاجار، تهران، زمینه، ۱۳۵۹، صص ۸۲-۸۳
۲۱. این تعبیر میرزا حسین حسینی فراهانی است. بنگرید به حسینی فراهانی، میرزا حسین، سفرنامه، به کوشش مسعود گلزاری، تهران، فردوسی، ۱۳۶۲، صص ۴۱
۲۲. کرزن، جرج، ایران و قضیه ایران، ج ۱، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، علمی و فرهنگی، چ چهارم، ۱۳۷۳؛ مخبر السلطنه هدایت، خاطرات و خطرات، تهران، زوار، چ سوم، ۱۳۷۱، صص ۱۰۱ و ۱۰۵؛ مکملی، محمد کاظم، تاریخ جامع راه آهن، ج ۲، تهران، راه آهن جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹، صص ۲۶۳-۲۶۶
۲۳. مهدوی، صص ۲۰۵-۲۰۶ و ۲۱۲-۲۱۴
۲۴. پیرزاده نائینی، محمد علی، سفرنامه، ج ۲، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، تهران، بابک، چ دوم، ۱۳۶۰، صص ۱۳
۲۵. روزنامه ایران، ج ۴، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶، صص ۲۷۰۷
۲۶. فوریه، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال، به کوشش همایون شهیدی، تهران، دنیای کتاب، صص ۳۱۶؛ آدمیت، فریدون، شورش بر امتیاز نامه رژی، تهران، پیام، ۱۳۶۰، صص ۶۹
۲۷. آدمیت، فریدون، ایندولوژی نهضت مشروطیت ایران، تهران، پیام، ۱۳۵۵، صص ۳۴
۲۸. یزد در اسناد امین الضرب، به کوشش ایرج افشار، و اصغر مهدوی، تهران، طلایه، ۱۳۸۰، صص ۴۳۹؛ ناطق، هما، بازرگانان در داد و ستد بانک شاهنشاهی و رژی تنباکو، تهران، توس، ۱۳۷۳، صص ۱۲۲
۲۹. فوریه، صص ۳۲۴ و ۳۲۶؛ آدمیت، شورش...، صص ۱۳۵
۳۰. سید جمال پس از مدت‌ها دوری از وطن در ۱۳۰۴ق وارد ایران شد و در ربیع الثانی ۱۳۰۴ مهمان امین الضرب در تهران بود. بنگرید به اعتماد السلطنه محمد حسن خان، روزنامه خاطرات، به کوشش

ایرج افشار، تهران، امیر کبیر، چ دوم، ۱۳۵۰، ص ۴۷۰؛ حاج سیاح محلاتی، محمد علی، خاطرات یا دوره خوف و وحشت، به کوشش حمید سیاح، به تصحیح سیف الله گلکار، تهران، امیر کبیر، چ سوم، ۱۳۵۹، ص ۲۹۰ و ۲۹۳؛ اسد آبادی، لطف الله، شرح حال و آثار سید جمال الدین اسد آبادی، قم، دارالفکر، ۱۳۴۹، ص ۴۰؛ سید جمال بار دیگر در اواسط ربیع الثانی ۱۳۰۷ وارد تهران شد و بار دیگر مهمان امین الضرب بود. در این هر دو سفر میرزا رضا کرمانی به توصیه امین الضرب مهمانداری سید جمال می‌کرد و از این طریق بود که او با افکار و اندیشه‌های سید جمال آشنا شد و سخت شیفته شخصیت و اندیشه او شد. در باره این مسئله و اطلاعات دیگر در باره میرزا رضا کرمانی بنگرید به کرمان در اسناد امین الضرب، به کوشش نرگس پدرام و ایرج افشار، تهران، ثریا، ۱۳۸۴، صص ۴۸۸-۴۸۹؛ دولت آبادی، یحیی، حیات یحیی، ج ۱، تهران، فردوسی و عطارد، چ ششم، ۱۳۷۱، ص ۹۷. برای پژوهشی معتبر و بنیادین درباره میرزا رضا بنگرید به ناطق، هما، کارنامه و زمانه میرزا رضا کرمانی، چاپ خارج از کشور (بن)، انتشارات حافظ، ۱۳۶۳

۳۱. مجموعه اسناد و مدارک چاپ نشده درباره سید جمال الدین، جمع آوری و تنظیم اصغر مهدوی و ایرج افشار، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲، صص ۱۱۶-۱۲۰؛ امین الضرب، «یادگار زندگانی»، صص ۱۹-۲۰
۳۲. مجموعه اسناد و مدارک چاپ نشده...، صص ۱۳۴-۱۳۷
۳۳. افضل الملک، غلامحسین، افضل التواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱، ص ۲۸۸
۳۴. امین الضرب املاک زیادی در جای جای کشور داشت در این باره بنگرید به یزد در اسناد امین الضرب، صص ۳۴۳-۳۴۵ و کرمان در اسناد امین الضرب، صص ۸۳-۹۲، ۹۸-۱۰۷
۳۵. ناصر الدین شاه، روزنامه خاطرات در سفر سوم فرنگستان، ج ۲، به کوشش محمد اسماعیل رضوانی و فاطمه قاضیها، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۴، ص ۲۹